

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۳ جون ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

بازنده مردم‌اند. از روز شنبه، موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها فرا می‌رسد

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، آزادسازی قیمت‌ها، نتایج فاجعه‌بار خود را برای کارگران و زحمتکشان ایران در سال جدید آشکار کرده است. بهای کالاها و خدمات مورد نیاز روزمره مردم، رشدی جهشی به خود گرفته است. در حالی که نرخ تورم در اسفند ماه [حوت] رسماً کمی بیش از ۱۱ درصد اعلام شده بود، مرکز آمار ایران در این هفته، میانگین نرخ تورم را در اردیبهشت ماه [ثور] سال جاری ۷ / ۱۶ درصد اعلام نمود. این در حالی است که رئیس بانک مرکزی پیش از این ادعا می‌کرد، این افزایش به ۵ / ۱۳ درصد محدود خواهد ماند. مرکز آمار ایران که اکنون منبع اصلی اعلام آمار دولتی است، در عین حال در گزارش خود آورده است که نرخ تورم در اردیبهشت سال جاری در مقایسه با اردیبهشت ماه سال گذشته، ۲۶ درصد افزایش نشان می‌دهد. یعنی در مقایسه با اردیبهشت ماه سال ۸۹، توده‌های کارگر و زحمتکش، یک چهارم قدرت خرید خود را از دست داده و فقیرتر شده‌اند. افزایش دستمزد و حقوق به میزانی کمتر از ۱۰ درصد و یارانه نقدی در این چند ماه، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، تنها می‌توانسته نیمی از کاهش قدرت خرید را جبران کند. اما معضل افزایش جهش‌وار بهای کالاها و بالنتیجه نرخ تورم هنوز در پیش است. افزایش ۵ درصدی آن در طول دو ماه گذشته، تنها مقدمه‌ای است بر افزایش تصاعدی آن در ماه‌های آینده. دولت در این چند ماه گذشته، برای مقابله با پیامدهای سیاسی آزادسازی قیمت‌ها به اشکال مختلف، محدودیت‌هایی را برای افزایش قیمت پاره‌ای کالاها قائل شده بود. اکنون این محدودیت‌ها برچیده شده‌اند.

قائم مقام معاونت بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی در این هفته، پس از صغرا و کبرا چینی‌های مقدماتی مبنی بر این که نوسان قیمت‌ها امری طبیعی است و در دنیا اقلام مواد غذایی افزایش یافته است، با اشاره به این که وزارت بازرگانی بارها از سوی تولیدکنندگان مورد سؤال واقع شده است و اکنون می‌خواهیم قدرت مانور قیمتی به کارخانجات بدهیم و تولید را از تنگنا بیرون بکشیم حرف نهایی‌اش را زد و نتیجه گرفت:

"فضای کنونی اقتصاد ما که بعد از اجرای قانون بر پایه یک اقتصاد رقابتی شکل گرفته است، نمی‌تواند ما را به سیاست‌های تثبیت قیمت که در گذشته وجود داشت، برگشت دهد. بنابراین طبیعی‌ست که قیمت تمام کالاها در این دامنه ممکن است نوساناتی داشته باشند." البته منظور وی از نوسان هم، همان افزایش قیمت‌هاست. افزایش قیمت‌ها در گذشته نیز وجود داشته و قطع نشده است، آنچه که باید رخ دهد، چیزی بسیار فراتر از گذشته است. علاوه بر این، در این هفته عامل دیگری برای افزایش نرخ تورم وارد معادله شد که تأثیرات خود را فوراً آشکار خواهد کرد. بانک مرکزی روز چهارشنبه این هفته، رسماً ارزش پول رسمی کشور را در مقایسه با روز قبل از آن معادل ۱۱ درصد کاهش داد. طبق مصوبات مجلس در بودجه سال جاری، نرخ دلار هزار و پنجاه تومان تعیین شده بود. اکنون بانک مرکزی این نرخ را به ۱۱۱۷ تومان افزایش داده است. نرخ برابری یورو نیز که در روز سه‌شنبه ۱۵۴۶ تومان و ۷ ریال بود، به ۱۷۱۸ تومان افزایش یافت.

خبرگزاری دولتی فارس از قول یک مقام بانک مرکزی نوشت: "سیاست افزایش نرخ ارز در بازار ظرف یک روز، به منظور اجرای یکسان‌سازی نرخ ارز انجام شده است." وی افزود: "سیاست افزایش نرخ ارز بازار رسمی، دقیقاً مطابق با نظریه تعادل بازار بوده و بانک مرکزی نمی‌توانست به جنگ بازار برود. به همین دلیل با اجرای این سیاست به ماجرای دلار دو نرخ در بازار پایان داد."

این واقعیتی‌ست که کاهش واقعی ارزش ریال و افزایش تورم، خود به خود بهای ارزهای معتبر و طلا را افزایش می‌دهد. از این‌رو از اوایل سال جاری پیوسته نرخ برابری دلار با ریال و نیز بهای طلا افزایش پیدا کرد. اقدام دولت نیز برای ثابت نگهداشتن رسمی نرخ برابری، اقدامی موقتی بود. آشکار بود که دولت به زودی این کاهش ارزش ریال را رسماً می‌پذیرد و نرخ ارزهای خارجی را افزایش خواهد داد. از همین رو، دلالتان و سرمایه‌دارانی که در جریان این تحولات قرار داشتند، میلیاردها دلاری را که بانک مرکزی به بازار ریخت خریدند و حالا در یک چشم به هم زدن، میلیاردها تومان از این دلالی به جیب می‌زنند.

اما اصل مسأله افزایش رسمی بهای ارزها به سیاست اقتصادی دولت بازمی‌گردد که این افزایش نیز جزء دیگری از این سیاست و بخش مکمل آزادسازی قیمت‌هاست. بنابراین خلاف ادعای مقام بانک مرکزی، تمام مسأله این نیست که "نمی‌توانست به جنگ بازار برود." بلکه اساس سیاست دولت در آزادسازی نرخ دلار و دیگر ارزهای معتبر است. اما آنچه که روز چهارشنبه از سوی بانک مرکزی انجام گرفت، آغاز کار است. در روزهای آینده بهای رسمی و غیر رسمی ارزها باز هم افزایش خواهد یافت.

بلافاصله پس از آن که بانک مرکزی خبر افزایش رسمی بهای ارزها را اعلام نمود، بهای دلار و یورو در بازار بین ۳۵ تا ۵۰ تومان بیش از افزایش رسمی، افزایش پیدا کرد. بانک مرکزی هم پیشاپیش اعلام کرده است که اگر روند فعلی ادامه داشته باشد، باز هم، نرخ ارزها را افزایش خواهد داد. اما وضعیت کارگران و زحمتکشان در این میان چه می‌شود؟

در حالی که خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های رژیم تحلیل‌شان بر روی این مسأله متمرکز است که کدام بخش طبقه سرمایه‌دار، بیش‌تر از این اقدام بانک مرکزی سود می‌برد و کدام بخش کم‌تر، و درآمد دولت از فروش گران‌تر ارزها چه میزان خواهد بود؟ از بازنده اصلی این ماجرا صحبتی در میان نیست.

افزایش متجاوز از ۱۱ درصد نرخ ارزها، معنای دیگری جز این ندارد که لااقل ۱۱ درصد بر بهای کالاهای مورد نیاز توده مردم زحمتکش افزوده خواهد شد. این افزایش نیز موقوف به هفته‌ها و ماه‌های آینده نخواهد شد. هم اکنون

خرید و فروش‌های عمده، برای تعیین بهای جدید کالاها متوقف شده است. در فاصله همین دو روز پایان هفته، بسیاری از کالاها برای فروش گران‌تر آن‌ها در هفته‌های آینده از مغازه‌ها جمع‌آوری شده‌اند.

خرید و فروش شرکت‌های بزرگ از طریق بورس به حالت تعلیق درآمده است. روز پنجشنبه خبرگزاری‌های رژی‌م گزارش کردند که از امروز عرضه محصولات فولادی در بورس کالاها به حالت تعلیق درآمده است. ناظر تالار رینگ صنعتی و فلزی بورس کالاها گفت: "به این اساس، عرضه‌ها تا تصمیم‌گیری جدید در خصوص قیمت محصولات فولادی به تعویق افتاد."

مردم ایران، از روز شنبه همین هفته‌ای که در پیش است، باید خود را برای روبرو شدن با موج جدیدی از افزایش بهای کالاها آماده کنند.

آخوندهایی که به علت فضولی روانه‌ی بیمارستان می‌شوند

در هفته‌های اخیر، اخباری از درگیری مردم با عوامل رژیم انتشار یافته بود که به بهانه بدحجابی و بدپوششی زنان را مورد تحقیر و توهین قرار می‌دهند و دستگیر می‌کنند. واکنش مردم در قبال این اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم، علیه زنان، به یک معضل جدی برای نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

در این هفته، اتفاقی در همین رابطه در تهران رخ داد، که رژیم در تلاش است از آن وسیله‌ای برای مرعوب کردن مردم بسازد. گزارش‌هایی که از این ماجرا انتشار یافته به کلی متناقض‌اند. اما آنچه که روشن است، یک آخوند که گفته می‌شود "امام جماعت دانشگاه علوم پزشکی تهران" است توسط دو مرد کتک می‌خورد و روانه بیمارستان می‌شود. این دومین موردی بود که کمتر از یک ماه، آخوندهای فضول کتک می‌خورند و روانه بیمارستان می‌شوند.

پیش از این در اواسط اردیبهشت ماه [ثور]، در محدوده خیابان ۳۰ متری نیروی هوایی "امام جماعت مسجد انصارالحسین" تهران که مزاحم یک دختر و پسر جوان شده بود تا به ادعای خودش "نهی از منکر" کند، روانه بیمارستان شده بود و آن‌طور که ادعا می‌کند، یک چشمش را از دست داده و اکنون از چشم مصنوعی استفاده می‌کند.

مورد اخیر هم به نظر می‌رسد از نمونه همین فضولی باشد. اما رژیم در تلاش است، مسأله را به شکلی تحریف شده درآورد و از آن در خدمت مقاصد سرکوب‌گرانه خود علیه مردم، به ویژه زنان، استفاده کند. خود این آخوند در بیمارستان ماجرا را چنین تعریف کرد:

ساعت ۲۲ شب سه‌شنبه در خیابان شریعتی پائین‌تر از خیابان ملک به همراه دو نفر همراه داخل خودروی خود در حال عبور بودیم که ناگهان صدای فریادهای دختر جوان را شنیدیم. مشاهده کردیم که ۲ نفر از ارادل و اوباش برای ربایش یک دختر جوان اقدام کرده‌اند. با مشاهده این صحنه برای نجات دختر به سمت ارادل و اوباش یورش بردیم، اما با مقاومت روبرو شدیم و یکی از آن‌ها که شیشه نوشابه‌ای در دست داشت، چند ضربه به چشم من وارد آورد و بعد هم فرار کردند. اما جانشین فرمانده پولیس جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه اعلام کرد که "حادثه روز گذشته با بدپوششی و استفاده از پوشش نامتعارف و همچنین دوستی‌های غیر متعارف در ارتباط است و تا چند روز آینده این دو نفر دستگیر می‌شوند." روز پنجشنبه دادستانی تهران اعلام کرد که دو مرد و دو زن در این ارتباط دستگیر و هم اکنون در زندان به سر می‌برند. اطلاعات دادستانی از برخورد سریع و قاطع با این پرونده خیر می‌دهد.

از اظهارات پولیس و دادستانی کاملاً روشن است که ادعای آخوند امام جماعت دانشگاه علوم پزشکی، برای نجات دختر جوان، دروغ است. چرا که اگر واقعیت می‌داشت، در آن صورت دو زن و دو مرد هم اکنون نمی‌بایستی در

زندان باشند، بلکه فقط مردانی که به زنان تعرض کرده‌اند، دستگیر می‌شدند. جانشین فرمانده پولیس هم با اظهار نظر خود پنهان نمی‌کند که این دو زن و دو مرد با یکدیگر آشنائی و دوستی داشته‌اند. آنچه که باقی می‌ماند، فضولی آخوند یا همان به اصطلاح نهی از منکر بوده که منجر به نزاع شده است.

در پی این واقعه، ناصر مکارم شیرازی از سران آخوندهای قم، از قوه قضائی رژیم خواست که با این دو مرد جوان به عنوان مفسد فی‌الارض برخورد شود. وی گفت: اگر محکم برخورد نشود، دیگر کسی امر به معروف و نهی از منکر نخواهد کرد.

با این زمینه‌سازی‌هاست که پولیس جمهوری اسلامی از آغاز طرح جدیدی برای برخورد با بدپوشان از ۲۵ خرداد ماه [جوزا] خبر داد. وی گفت: "به اساس این طرح، پولیس از ۲۵ خرداد در تهران و استان‌های گیلان و مازندران این را به اجراء می‌گذارد. تفرج‌گاه‌ها و پارک‌ها به صورت ۲۴ ساعته کنترل خواهد شد و از ۱۰ روز بعد، در دیگر استان‌های کشور نیز به مرحله اجراء درخواهد آمد.

اما سال‌هاست که رژیم جمهوری اسلامی، طرح‌های سرکوب‌گرانه خود را به ویژه علیه زنان در فصل تابستان به مرحله اجراء درآورده است، تمامی این طرح‌ها با شکست روبرو شده‌اند. سرکوب‌گری‌های پولیس، بسیج، آخوند و دیگر عوامل رژیم، خشم مردم را افزون‌تر ساخته است. از همین‌روست که با عوامل مزدور رژیم درگیر می‌شوند و گاهی آن‌ها را روانه بیمارستان می‌کنند. تهدید مردم به مجازات محاربه و مفسد نیز چیزی از نفرت و انزجار آنها نخواهد کاست.

مردم ایران به آن درجه از آگاهی رسیده‌اند که در برابر این قلد رمنشی و زورگویی عوامل رژیم ایستادگی کنند. در هر کجا که مزدوران رژیم، زنان را مورد تعرض و سرکوب قرار می‌دهند، به مقابله با آن‌ها برمی‌خیزند و از درگیر شدن با آن‌ها هراسی به خود راه ندهند.

حجاب اجباری ملغا باید گردد. زنان باید در انتخاب پوشش آزادی داشته باشند و هر گونه دخالت دولت در زندگی خصوصی مردم و مناسبات زن و مرد ممنوع گردد.

احمدی نژاد می‌گوید: الان وقت تقسیم غنائم نیست، کنار نمی‌روم.

داستان دنباله‌دار کشمکش‌های درونی رژیم، همچنان ادامه دارد. در این هفته سالروز مرگ خمینی بود و حضور سران مقامات رژیم بر سر قبر وی. با تشدید اختلافات و درگیری‌های رژیم، اکنون چند سالی‌ست که این مراسم نیز عرصه دیگری برای تسویه حساب‌های درونی شده است. دفتر خامنه‌ای که سرخ‌امت حزب الله را در دست خود دارد، وظیفه جدیدی در این مراسم بر عهده این گروه قرار داده است. وظیفه آن‌ها شعار دادن و بر هم زدن و متوقف کردن سخنرانی فرد یا افرادی‌ست که به حسب اوضاع سیاسی هدف قرار گرفته‌اند. امسال قرعه به نام احمدی‌نژاد اصابت کرده بود و این امت همیشه در صحنه حزب‌الله وظیفه داشت با شعار و داد و بیداد، مانع از سخنرانی وی گردد. احمدی‌نژاد که سال گذشته از اجرای این نقش حزب‌الله علیه حسن خمینی بسیار شاد و خرسند بود، امسال شدیداً ناراحت و عصبانی به نظر می‌رسید. او به محض این که خواست سخنرانی کند، دریافت که نوبت او هم رسیده است. بنابراین با هر زحمتی بود، سخنرانی خود را در میان هیاهوی امت حزب‌الله به پایان رساند و نکته قابل ذکر سخنرانی‌اش هم همین بود که او در ظاهر خطاب به رئیس حزب‌الله حاضر در صحنه، اما در واقع خطاب به رقبای خود گفت: نوبت شما هم خواهد رسید.

در ادامه این درگیری‌ها، احمدی‌نژاد که بر سر تعیین سرپرست برای وزارت نفت مجبور به عقب‌نشینی شده بود، فردی را از درون باند خود به عنوان سرپرست این وزارتخانه تعیین نمود. اما این تغییر، آن چیزی نبود که بتواند باندهای رقیب را بر سر وزارتخانه مهمی چون نفت آرام کند.

لاریجانی با ارسال نامه‌ای رسمی به احمدی‌نژاد، اقدام هیأت وزیران در مورد واگذاری حق تصمیم‌گیری در امور نفت به کارگروهی متشکل از نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور را خلاف قانون اعلام نمود. در این نامه آمده است به موجب قانون برنامه پنجم عواید حاصل از صادرات نفت به حساب ذخیره ارزی واریز می‌شود، بنابراین مفاد تصمیم‌نامه از حیث عدم تصریح به ضرورت واریز وجوه حاصله به حساب مذکور، مغایر قانون است.

مفاد این نامه به خوبی نشان می‌دهد که دعوی مجلس و دولت بر سر وزارت نفت، بر سر درآمدهای کلان این وزارتخانه است. احمدی‌نژاد نمی‌خواهد از این خوان یغما سهمی برای رقبای خود در نظر بگیرد و تمام آن را خود به تنهایی در اختیار گرفته است، در حالی که باندهای دیگر به این خواست باند احمدی‌نژاد تن نمی‌دهند و وزارت نفت را به یکی از عرصه‌های مهم درگیری خود تبدیل کرده‌اند.

در همین حال فشار گروه‌های رقیب احمدی‌نژاد برای برکناری تعدادی از نزدیکان او افزایش یافته است.

جانشین نماینده خامنه‌ای در سپاه پاسداران گفت: "جریان انحرافی در صدد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی از طریق امکانات خود نظام است." "انحراف جدید خطرناکتر از همه انحراف‌های تاریخ شیعه است و حتی از انجمن حجتیه خطرناکتر است." "رؤسای جریان انحرافی با رئیس‌جمهور گره خورده‌اند. امیدواریم که این گره باز شود، اما بسیار سخت است که به این زودی‌ها شاهد این تفکیک باشیم. زمانی می‌توانیم این موضوع را بپذیریم که رأس فتنه جدید توسط رئیس‌جمهوری حذف شود و لذا تا وقتی این افراد در دولت وجود دارند نمی‌توان انحراف اخیر را از دامان دولت پاک کرد." وی سپس افزود: "سپاه پاسداران قاطعانه با جریان انحرافی برخورد خواهد کرد."

خبرگزاری فارس از قول یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس گزارش کرد که جریان انحرافی انگلیسی و صهیونیستی‌اند. وی از تشکیل کمیته‌ای جهت رسیدگی به این مسأله با همکاری دادستانی، قوه قضائی و وزارت اطلاعات در کمیسیون مجلس خبر داد.

احمدی‌نژاد، اما در اجلاس استانداران سراسر کشور از حلقه پیرامونی خود دفاع کرد و گفت: "اگر این‌ها یک برگ تخلف از آقای مشائی داشتند، در بوق و کرنا می‌کردند. مطالب اخیر هم که منتشر شده سندساز است." وی سوء استفاده‌های مالی رحیمی را نیز انکار نمود و افزود: "من با اطمینان می‌گویم که آقای رحیمی یک ریال هم سوء استفاده نکرده است. برخی هم این‌گونه عنوان می‌کنند که من را طلسم کرده‌اند. خب بیایند طلسم من را بشکنند تا همه راحت شوند." وی در گفتگوی تلویزیونی‌اش نیز گفت، به رغم مخالفت گروه‌های رقیب، به راه خود ادامه می‌دهم. دولت برداشت خود را از قانون اجراء می‌کند و نه برداشت دیگران را. احمدی‌نژاد در جمع استانداران به رقبای خود گفت: "الان وقت تقسیم غنائم نیست، استعفاء نمی‌دهم."

چنین به نظر می‌رسد که احمدی‌نژاد، سرنوشت خود را با گروه معاونین و مشاورین خود به هم گره زده است. بنابراین، نه فقط حاضر به برکناری آن‌ها نیست، بلکه شدیداً از آن‌ها دفاع می‌کند. این که تاکنون خامنه‌ای و گروه‌های رقیب وی، اقدام به دستگیری این افراد نکرده‌اند، از آن بیم دارند که در کل منجر به کنار رفتن کابینه احمدی‌نژاد و استعفای وی گردد. اتفاقی که هنوز در این لحظه به نفع رژیم نیست.